

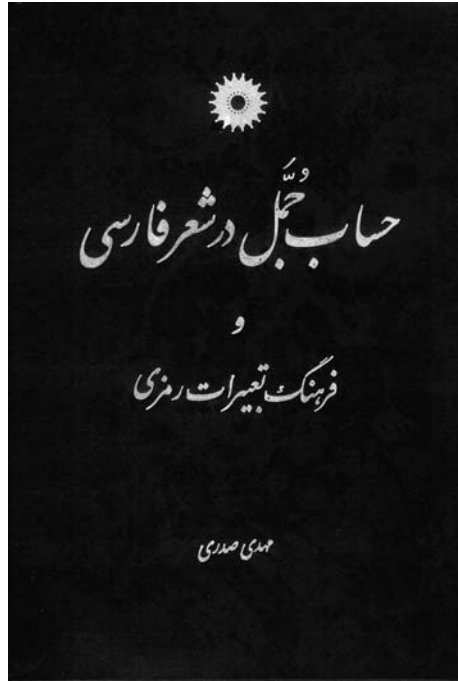
میراث‌های فراموش شده در ادبیات و تاریخ معاصر ایران و معرفی یک شاهکار

مرتضی رسولی پور

آنچه نگارنده را به نوشتن مطلب زیر ترغیب نمود کتابی است که چندی پیش با عنوان حساب جُمَل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی^۱ به قلم آقای مهدی صدری انتشار یافته است. راقم این سطور پس از مطالعه کتاب درصدد بود تا اگر توفیق یابد در فرصتی مناسب به معرفی آن بپردازد. اینک که آن فرصت به دست آمده نظر به اهمیت موضوع به لحاظ ارتباط آن با تاریخ و ادبیات فارسی ذیلاً به توضیحاتی درباره آن مبادرت می‌ورزد.

ادبیات فارسی از دیرزمان دارای امتیازات خاصی بوده که خواه و ناخواه توجه هر کس را که دارای ذوق سلیم ادبی باشد به خود جلب می‌کند و بی‌اختیار او را وامی‌دارد بر کسانی که واجد این امتیازات هستند با دیدهٔ اعجاب و تحسین بنگرد. از این رو، می‌توان گفت از میان ویژگی‌های فرهنگی قوم ایرانی شاید هیچ کدام مانند خلاقیت‌های ادبی او قبول عام نیافته و مورد تصدیق دانشمندان اقوام دیگر و موجب محبوبیت و سرافرازی‌اش در بین جهانیان واقع نشده باشد. مجموع کلمات، عبارات و قواعد ادبی‌ای که ابناء این قوم در گفتار و نوشتار خود به کار می‌گرفته‌اند به سبب داشتن دقت تعبیر، اسلوب و کنایه، استعاره، کثرت مترادفات، موسیقی الفاظ و لطافت ترکیبات و تناسب بین لفظ و معنی از هر جهت برای اداء مقصود به بهترین وجهی مناسب بوده است. نکتهٔ مهم آنکه این خصیصهٔ ادبی در میان ایرانیان بیشتر در قالب شعر تجلی و گسترش یافته است. شعر فارسی و گسترش آن در میان اقوام دور و نزدیک، علاوه بر آنکه حاکی از علوّ هوش، گستردگی ذهن، فسحت اندیشه، ذوق جمال‌پرست و دم‌گرم مردم ایران است

۱. مهدی صدری. حساب جُمَل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول،



مهم‌ترین منبع شناسایی سیر اندیشه و ادراک این قوم نیز می‌باشد. بی‌تردید، هر کوششی برای شناختن گذشته فرهنگ ایران، قبل از هر چیز، ما را با شعر مواجه خواهد ساخت. نمی‌توان تاریخ ایران، به خصوص تاریخ اجتماعی و تاریخ فکر و تمدن آن را نوشت مگر آنکه در انبوه عظیم دیوانهای شعر به کندوکاو پردازیم. البته از گذشته در علوم مختلف آثار برجسته و ارزشمندی به نثر از قبیل تاریخ بیهقی، قابوسنامه، اسرارالتوحید، گلستان و نوشته‌های ابن‌سینا، غزالی، سهروردی و دیگران در دست داریم؛ لیکن این چند کتاب و تعداد بسیاری نظایر آن نمی‌توانند ادبیات گذشته ایران را از تسلط بی‌چون و چرای شعر خارج کنند. در مقایسه با سایر هنرها و مظاهر تمدن و فرهنگ چون معماری، نقاشی، خط و موسیقی نیز که آثار برجسته‌ای از آنها هنوز بر جای مانده هیچ کدام به اندازه شعر مبین روح ایرانی نیست. هر چند بسیاری از قافیه‌پردازها و آثار منظوم از نظر شعری ارزش چندانی ندارند ولی از آنجا که استعداد، نبوغ و قدرت خلاقه این قوم در حکمت و فلسفه، سیاست و هنر و اعتقادات بیشتر در قالب کلام موزون به کار افتاده و عرضه شده، توجه به آن در تسلسل و جزر و مد فکر ایرانی و شکفتگی و انحطاط آن ثمربخش می‌باشد. از این رو، شعر نه تنها به عنوان شاخه‌ای از شاخه‌های ادبیات بلکه

وسیله‌ای برای بهتر شناختن خود و گذشته کشورمان مورد توجه قرار می‌گیرد. از زمانی که در عرصه سیاست و تجارت و صنعت و دانش، متأسفانه، مسحور و محصور عوامل خارجی شده‌ایم ارج نهادن به میراث گذشتگان و توجه به صیت شهرت فرهنگ و ادب در شعر و نثر و آثار ادبی به جای مانده در طول بیش از ده قرن سیطره زبان دری به عنوان زبان ادبی این سرزمین مورد غفلت بسیار جدی قرار گرفته و روزه‌روز آثار ذوقی و اندیشه‌های بزرگان علم و ادب فارسی مهجورتر و متروک‌تر می‌شود.

در طول بیش از یکصد سال گذشته، شیفتگی ما در برابر جنبه‌های ظاهری تمدن و فرهنگ غرب چنان بوده که اگر شمار معدودی از خاورشناسان اروپایی به ترجمه و تمجید بعضی آثار فارسی نپرداخته بودند بسیاری از ما حتی جرئت ارج گذاردن به ادبیات خود را تا حد زیادی از دست داده بودیم؛ به خصوص، در دوران سلطنت رضاشاه با آنکه حکومت مرکزی پس از سالیانی قدرت یافت و بعضی اصلاحات هم که بیشتر جنبه ظاهری داشت انجام گرفت، ارتقاء فکری و اخلاقی که فرع آزادی و تبادل افکار و عقاید است در جامعه ما جلوه‌ای نیافت.

صرف‌نظر از آثار شوم سیاسی - اجتماعی ناشی از استبداد و اختناق در این دوره به بهانه پیروی از تجدد، کوششهایی جهت انقطاع از پاره‌ای دستاوردهای مهم فرهنگی و ادبی که حاصل تجارب نسلهای گذشته بود به عمل آمد و حرمت نگه داشتن و به دیده تحسین و اعجاب و غرور نگرستن در آثار فرهنگی و هنری به جای مانده از روزگاران دور که وظیفه هر ملتی است به تدریج سست گردید.

در همین دوره اوزان و مقیاسها تغییر کرد و واحدهای وزن، طول، سطح، حجم و اضعاف اجزای مقیاسهای مزبور مطابق اصول متری تعیین گردید. همچنین سیاق و علائم اختصاری آن که از ادوار قدیم تا اواسط دوران رضاشاه در تحریر محاسبات اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گرفت، منسوخ شد. نیازی به توضیح نیست که مزایای به کارگیری شیوه جدید در مقایسه با مشکلات و نارساییهای محاسبه و تحریر آن در شیوه کهن شاید غیرقابل انکار باشد؛ اما نداشتن اطلاعات کافی از واحدهای اندازه‌گیری قدیم و به فراموشی سپردن تدریجی آن خصوصاً برای نسلهای بعدی و کسانی که به نحوی در رشته‌های مختلف علوم انسانی به ویژه تاریخ، ادبیات و اقتصاد به مطالعه و تحقیق می‌پردازند، مشکلاتی را فراهم خواهد کرد. ادامه این وضع موجب بلااستفاده ماندن بسیاری از منابع دست اول و اسناد بی‌شمار به جای مانده در آرشیو مراکز متعدد اسنادی کشور خواهد شد. تا حدود سال ۱۳۰۸ شمسی تدریس سیاق با عنوان «حساب سیاق نقدی» و «حساب سیاق جنسی» یا ارقام و اوزان سیاق رسماً در مدارس ایران تدریس و

کلیه ارقام آماری و جمعیتی و اوزان با این خط نوشته می‌شد. متأسفانه نسلی که می‌توانست سیاق بخواند در حال انقراض است و به ندرت می‌توان افراد جوان‌تری یافت که این فن را آموزش دیده باشند. در حالی که بدون آشنایی و شناخت نحوه تحریر این ارقام و خطوط در هم و شکسته و در پاره‌ای موارد بدون حروف ربط و صفحه‌گذاری موجود در مدارک به جا مانده از گذشته نمی‌توان از اطلاعات منحصر در اسناد، کتابچه‌ها و رسائل قدیمی بهره برد چگونگی می‌توان از دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری رشته تاریخ و سایر رشته‌های علوم انسانی، که کمترین اطلاعی در این امور ندارد، انتظار داشت به بررسی و تحقیق در اوضاع اقتصادی دوره‌های گذشته ایران بپردازد؟ در کدام مدرسه یا دانشگاه به دانشجویان خواندن سیاق آموزش داده شده، و در سراسر ایران چه تعداد از استادان و مدرسان فعلی دانشگاهها قادر به قرائت این نوع اسناد، که تعدادشان کم هم نیست، می‌باشند؟

از دیگر دستاوردهای ادبی گذشته این قوم که جلوه‌ای زیبا از ذوق، قریحه و اندیشه ایرانی بوده و متأسفانه طی ۷۰ سال گذشته به دلایلی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است «ماده تاریخ» و «ماده تاریخ‌سازی» می‌باشد. اینکه اکنون از ماده تاریخ اظهار بی‌خبری می‌شود از آن جهت نیست که درباره آن کسی سخن نگفته یا مطالبی ننوشته باشد؛ نگارش بسیار اما تحقیق کم بوده است و باید تصدیق نمود که بیشتر نوشته‌ها، هر چند جمع‌آوری خوبی از ماده تاریخهاست، اما چون مؤلفان از روش علمی سود نچسته‌اند بدون توجه به تحریف و تصرف راه‌یافته توسط ناسخان، «ماده تاریخها» را به همان شکل که قبلاً دیگران ضبط کرده‌اند در کتاب خود آورده و ثبت نموده‌اند.

بی‌گمان، در طول هفت قرن گذشته ساختن «ماده تاریخ»، به خصوص در شعر فارسی، کاربردی گسترده داشته و سرایندگان با بهره‌گیری از حروف جمل در قالب واژه، عبارت، مصراع یا بیت ماده تاریخ می‌ساختند که از محاسبه عددی آن، تاریخ موردنظر به دست می‌آمد.

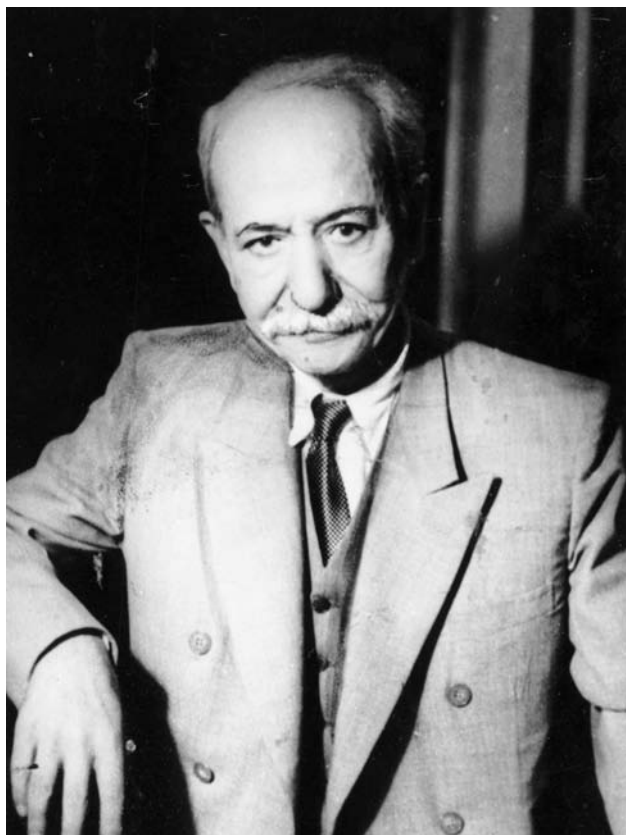
قدیم‌ترین ماده تاریخ که در زبان فارسی با حساب ابجد گفته شده متعلق به قرن پنجم هجری می‌باشد و همان است که مسعود سعد سلمان راجع به تفویض حکومت هندوستان به سیف‌الدوله محمود بن ابراهیم گفته است و سال ۴۶۹ ه.ق را نشان می‌دهد:

بسال پنجه ازین پیش گفته بوریحان

در آن کتاب که کرده است نام او تفهیم

که پادشاهی صاحبقران شود پیدا

چو سال هجری بگذشت تی و سین و سه جیم



علی اکبر دهخدا [۴۶۵۶-۵]

در مصرع چهارم از جمع کردن معادلهای عددی حروف «ت»، «س» و سه «ج» به حساب جمل سال ۴۶۹ حاصل می‌شود. اما گفتن «ماده تاریخ» به همین نحو منحصر به استفاده از حروف مقطعه ابجد نگردید؛ از قرن ششم به بعد سرایندهگان از حروف ابجد به جای رقم استفاده کردند هر چند هنوز مقید نبودند که حروف مورد استفاده معنی مشخصی را به ذهن متبادر کند، چنانچه در دو بیتی معروف زیر «ماده تاریخ» ولادت، کسب علوم و درگذشت ابن سینا با کلمات بی معنی «شجع»، «شصا» و «تکز» که به ترتیب معادل ۳۷۳، ۳۹۱ و ۴۲۷ است گفته شده:

در شجع آمد از عدم به وجود
در نکز کرد این جهان بدرود

حجت الحق ابوعلی سینا
در شصا کسب کرد علوم

هم‌اکنون نیز بسیاری از مؤلفان و مصححان غالباً از این روش برای متمایز کردن شماره صفحات متن کتاب از مقدمه، استفاده کرده شماره‌گذاری صفحه‌های مقدمه را با حروف ابجد انجام می‌دهند.

از قرن هشتم به بعد، به تدریج، «ماده‌تاریخ» جنبه فنی به خود گرفت و از زمان تیموریان، و به خصوص دوره صفویه، این فن با تعمیم^{*} در آمیخته شد. از این پس شاعر با ترکیب ذوق شعری و ساختن ماده‌تاریخ مرتبه هنری خود را ارتقاء می‌داد. سراینندگان بنابه ذوق و ابتکار خود در قالب عبارات رمزآمیز و تعمیم‌دار تاریخهای ماندگاری ساختند که در مقایسه با تاریخهایی که مورخان به نثر در کتب تاریخی خود ثبت کرده‌اند بسیار صحیح‌تر و دقیق‌تر است. هر چند خطا در تاریخهای ثبت شده به حساب جمل هم به ندرت یافت می‌شود ولی امکان اشتباه نویسندگان در تواریخ ثبت شده به صورت عدد در متون تاریخی کم نبوده است. این‌گونه اشتباهات در نوشته‌های کاتب در پاره‌ای موارد آیندگان را برای یافتن تاریخ درست واقعه دچار مشکلات زیادی می‌نماید.

با مرور ایام انواع تفننات در آراستن سخن به صنعت تعمیمه شیوع یافت به طوری که برخی از شاعران برای نشان دادن مرتبه استادی خود به تکلف در کلام روی آوردند و حتی قصاید بلندبالایی که تمام مصراعهای آنها ماده‌تاریخ بود سرودند، مثل قصایدی که میرزا صادق ناطق اصفهانی سروده یا ترکیب‌بندی که فصیح‌الدین متخلص به «صاحب» از شعرای زمان سلطان حسین بایقرا، در پنج بند، در تولد و مرگ امیرعلیشیر نوایی گفته که مصراعهای اول تاریخ تولد و مصراعهای دوم تاریخ وفات اوست. همچنین قصیده و شش رباعی که محتشم کاشانی برای سال جلوس شاه اسماعیل دوم به سال ۹۸۴ق ساخته که از آنها هر اروصد و بیست و هشت استخراج تاریخ می‌شود.^۱

هر چند سراینندگان در ساختن چنین «ماده-تاریخ»های هنرمندانه‌ای زحمت فراوان کشیده‌اند اما دریغ که بسیاری از آنان به تکلف در کلام گرفتار شدند و گرچه زیت فکرت سوخته لیک چراغ بلاغت نیفروخته‌اند و در ابیاتشان عموماً معنی و مضمون فدای لفظ گردیده است.

این عده تصنع را به جایی کشاندند که به قول حافظ بعضی را می‌توان فقط صنعتگر نامید:

* تعمیمه در لغت به معنی کور کردن و پوشیده یا معماوار گفتن و نوشتن است؛ و در علم بدیع عبارت است از بیان کلمات از طریق تغییر و تبدیل یا سود جستن از محاسبات ابجدی که با تعمق، صورت واقعی آن کلمات کشف می‌شود.

۱. بنگرید به: حاج حسین نخجوانی. موادالتواریخ. تهران، ادبیه، ۱۳۴۳. صص ۲۵-۲۹ و ۳۸-۴۰؛ محمدطاهر نصرآبادی. تذکره نصرآبادی. تصحیح وحید دستگردی. تهران، ابن سینا، ۱۳۱۷، صص ۴۷۳-۴۷۴؛ کیوان سمیعی. تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری. تهران، زوار، ۱۳۶۱، صص ۲۴۰-۲۵۰.



بدیع الزمان فروزانفر



عباس اقبال [۴۶۱۰-۵]

آن را که خواندی استادگر بنگری به تحقیق صنعتگری است اما طبع روان ندارد^۳ با این همه ساختن «ماده تاریخ» با همه فراز و نشیبها در طی چند قرن بعد حتی در دوره بازگشت ادبی همواره مورد توجه سرایندهگان قرار داشت به نحوی که در تواریخ و تذکره‌های متعددی چون تذکره نصرآبادی، تاریخ راقم سمرقندی معروف به تاریخ کثیره، مفتاح التواریخ تألیف تامس ولیم بیل و به خصوص موادالتواریخ می‌توان «ماده تاریخ»های فراوانی مشاهده نمود.

در اینجا چند نکته شایسته یادآوری است: نخست آنکه به مرور زمان دشواری و پیچیدگی و وهم‌انگیز شدن پاره‌ای از ماده تاریخها مردم عادی را در درک معماهای به کار رفته در آنها سردرگم نمود در نتیجه فقط خواص توانستند دقایق ظریف و دل‌انگیز معماها را حل نمایند.

دوم اینکه در دوره اخیر با اشاعه افکاری که تحت تأثیر دوره بازگشت مطرح گردید و بی‌مهری‌ای که نسبت به کلیه آثار منشور و منظوم سبک هندی انجام گرفت، این فن نیز که

۳. این بیت در نسخه مورد استفاده قزوینی و غنی دیده نمی‌شود. بنگرید به نسخه انتخابی قانانی و یغمای جندقی و همچنین شرح سودی بر حافظ.

می‌بایست حداقل جزو دروس اصلی تاریخ و ادبیات قرار گیرد مورد توجه واقع نشد به حدی که اگر کسی مایل بود در این مورد تحقیقی در قالب نوشتن رساله انجام دهد با توجه به فضای ایجاد شده و مخالفت برخی از عالمان به این بهانه که مبدا انگ بی‌اعتباری بر نوشته‌اش بخورد از علاقه خود صرف‌نظر می‌نمود. بزرگانی چون محمد قزوینی، بدیع‌الزمان فروزانفر، عباس اقبال، دکتر قاسم غنی و ملک‌الشعراء بهار به طور مسلّم اگر در این فن خبره نبودند ناآشنا هم نبوده‌اند اما متأسفانه به جهت روی آوردن به اندیشه‌هایی که تحت تأثیر دوره بازگشت پیدا شد، هیچ کار اصولی و مهمی برای حفظ این فن نکردند و همگی به این بهانه و عنوان که نثر و نظم متون این دوره‌ها مصنوع و متکلف است آن را کوبیدند.

ادیب و پژوهشگر بزرگ شادروان علی‌اکبر دهخدا در تألیف دوره چهار جلدی امثال و حکم خود ضرب‌المثلهایی آورده که مروری بر آنها نشان می‌دهد نزدیک به نیمی از امثله مربوط به دوره صفویه و ادوار بعد از آن است. معلوم نیست اگر آن مرحوم اقدام به تألیف چنین اثر منصفانه و ارزشمندی نمی‌کرد با توجه به آن همه تبلیغات سوئی که نسبت به ادبیات این دوره وجود داشت چه وضعیتی پیش می‌آمد و آیا ادیب دیگری جرئت چنین کاری را پیدا می‌کرد یا نه؟!

بی‌توجهی به ماده‌تاریخ‌سازی در ادبیات علل دیگری نیز داشته از جمله این که دارنده این هنر نه نفع مادی می‌برد نه اجر معنوی. زنده‌یاد استاد جلال‌الدین همایی شاخص‌ترین نمونه‌ای است که در این مورد می‌توان از او یاد نمود. او علاوه بر تحقیق و تفحص در رشته‌های مختلف نجوم، حکمت و اجتهاد در فقه، در شمار ادبا و شاعران طراز اولی بود که در ماده‌تاریخ‌سازی نیز شهره خاص و عام بود و دیوان شعر او و ماده‌تاریخ‌هایی که ساخته بهترین گواه زنده در این خصوص است. یک عمر در نهایت خلوص، پاک، آزادگی و قناعت زیست و سرانجام در غایت بی‌توجهی ارباب بی‌مروت دنیا به خاک سپرده شد.

جهت دیگر، آن است که طی دو قرن اخیر چون از تحول طبیعی و سالم زمانه بی‌نصیب مانده‌ایم روزبه‌روز از هر چه ملی و اصیل است بیزارتر شده خواه و ناخواه به ظواهر تمدن مغرب زمین رو آورده‌ایم. این به معنی افتادن در گرداب انحطاط است. تقصیر انحطاط و تنزل در عرصه ادب بر گردن نخبگان و دانشمندان است که یا در انجام وظیفه خود کوتاه آمده یا خاموش نشستند و ناظر فرو ریختن پایه‌های معنوی ادبیات هستند. در جامعه‌ای که اساس تمدن و فرهنگ متزلزل نباشد هیچ‌گاه آموختن فنون و علوم خارجی خللی ایجاد نمی‌کند بلکه بر غنای معارف ملی می‌افزاید.

نتیجه چنین بی‌توجهی‌ها آن شده که کلیه آثار ادبی مکتوب به جای مانده از دوره



جلال‌الدین همایی [۳۵۳۸-۴]

صفویه و دوره‌های بعد مورد بی‌تفاتی محققان قرار گرفته است. چنانکه امروز شاهدیم رساله‌های دکتری در مورد تصحیح متون، خاصه اشعاری که از دوره صفویه تصحیح شده، بسیار کم و در حد انگشت شمارند. پژوهشگرانی هم که در مدت شصت هفتاد سال اخیر اقدام به تصحیح متون به جای مانده از این دوره‌ها نموده‌اند هیچ‌کدام ماده تاریخها را مشخص نکرده و تعمیم‌های به کار رفته در متون را توضیح نداده‌اند. از این رو، غالب متون تصحیح شده به علت بی‌اطلاعی مصححان از شناخت ماده تاریخ و کاربرد آن دارای اشکالات اساسی می‌باشند. وقتی مصحح نتواند ماده تاریخ مربوط به سال تألیف، تأسیس بنا، تولد و مرگ کسی را در شعر یا نثر به درستی کشف و استخراج کند طبیعی است که در ذکر تاریخها به حدس و گمان روی می‌آورد. این بی‌اطلاعی، اشتباهات دیگری را در ذهن دانشجوی بی‌خبر هم ایجاد خواهد نمود. از این رو اکثریت قریب به اتفاق کارهای انجام گرفته در این دوره‌ها طی هفتاد سال گذشته دارای لغزشهای زیادی است و باید مورد تجدیدنظر قرار گیرند. در غیر این صورت، این همه نسخه خطی به جای مانده از گنجینه تاریخ و ادبیات ایران مهجورتر خواهد ماند به طوری که شاید پنجاه سال آینده کسی یافت نشود بسیاری از ابیات مندرج در کتابهای این دوره را بشناسد. جای تعجب نیست اگر دانشجوی ادبیات به لفظ «خاک مصلی» در تاریخ فوت

خواجه حافظ مصادف شود نداند که تاریخ آن را چگونه استخراج نماید زیرا از حساب جمل چیزی یاد نگرفته است، چنانکه آشنایی ایرانیان از ارقام سیاق و اشارات تقویم رقومی و هرچه با فرهنگ و تمدن قبل از جنگ دوم جهانی مربوط است تقریباً قطع شده است.

مؤلف محترم کتاب حساب جمل در مقدمه کتاب خود تلویحاً یادآور شده‌اند در زمان دانشجویی (۱۳۴۷) وقتی که استاد زبان و ادبیات فارسی وقت سرکلاس به متن شعری برخورد که در آن اشاره‌ای به ماده تاریخ شده بود چون کمترین اطلاعی از آن نداشت بدون توضیح گذشت؛ چندی بعد هنگامی که او (مؤلف کتاب) مشتاقانه نزد یکی از استادان صاحب نام ادبیات فارسی دانشگاه تهران رفت و این پرسش را مطرح نمود که منظور از ماده تاریخ چیست، بدبختانه با برخورد تند و حتی تویخ‌آمیز آن عالم ادبیات مواجه گردید. آشکار است چنین برخوردهای سرد و غیرمنصفانه نتیجه‌ای جز سرخوردگی و یأس در دانشجوی علاقه‌مند ایجاد نخواهد کرد.^۴

در سالهای بعد از انقلاب اسلامی، که سبک هندی بار دیگر مورد توجه قرار گرفت، بعضی از علاقه‌مندان به فکر تصحیح نسخه‌های ادبی موردنظر افتادند اما چون اطلاع کافی در زمینه ماده تاریخ نداشتند و دانش آموخته این رشته نبودند لذا نتوانستند در تصحیح و نقد آثار مربوط به سبک هندی موفقیت چشمگیری به دست آورند. به هر حال، امروزه ماده تاریخ‌سازی دیگر نه تنها آن رونق و کاربرد گذشته را ندارد بلکه رو به زوال نهاده. طبیعی است با انتشار این همه تقویم، سالنامه و ماهنامه دیگر ضرورتی نسبت به حفظ تاریخ وقایع در کلمات و جملات یا عبارات احساس نشود. البته قرار نیست کلیه قواعد ادبی یا لغات یک زبان در همه زمانها بدون کمترین تغییری کاربرد خود را حفظ کنند و در یک قالب استعمال شوند؛ چنین امری شدنی نیست زیرا زبان مانند هر موجود زنده یا نهاد فرهنگی دیگر بنابر مقتضیات و نیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی جامعه به وجود آمده و همراه با تحول و تغییر ابزارهای دیگر تحول می‌پذیرد. واژگان نورسیده در چهارچوب ضوابط و ساخت زبان رشد می‌کنند و تا زمانی که کارآیی داشته باشند باقی می‌مانند و هنگامی که از ایفای این نقش بازمانند از صحنه بیرون می‌روند. هیچ زبان زنده‌ای نیست که بدون تحول حیات خود را ادامه داده باشد. مشابه چنین وضعی کم و بیش در ادبیات سایر فرهنگها نیز وجود دارد؛ به عنوان نمونه، امروزه زبان لاتین در هیچ یک از کشورهای اروپا و آمریکا کاربرد ندارد اما هنوز این زبان در مدارس کشورهای غربی تدریس می‌شود زیرا این زبان ریشه بسیاری از لغات در زبانهای کشورهای اروپا و آمریکا و واژه‌های حقوقی است و بسیاری



قاسم غنی [۴۶۰۴-۵]



ملک الشعراء بهار [۴۶۵۰-۵]

از متون قدیمی ارزشمند به زبان لاتین نگارش یافته‌اند، و این در حالی است که زبان فارسی هزار سال پیش هنوز برای مردم ایران قابل فهم است. پس چگونه است که اولیای فرهنگ در کشورهای یاد شده تدریس زبان مرده لاتین را در مدارس امری ضروری می‌دانند اما در کشوری که حتی به اعتراف بیگانگان سرزمین ادب خوانده شده ما نسبت به آنچه از گذشته در نسخ قدیمی، بناهای کهن و بر پیشانی اماکن متبرکه به جای مانده بی‌مهری و بی‌توجهی روا می‌داریم.

انتظار آن است که آثار گذشته به دیده حرمت پاس داشته شوند و برای حفظ هنر ماده‌تاریخ‌سازی ضروری است ماده‌تاریخها و تعمیه‌های به کار رفته در آنها تجزیه و تحلیل و تشریح و تبیین شوند.

در این زمینه مجاهدات و مساعی دوست گرانمایه آقای مهدی صدری در تألیف کتاب حساب جمل در شعر فارسی و فرهنگ تعبیرات رمزی را باید با نظر شکر و سپاس و احترام و اغتنام نگریست که تنها با انگیزه ادب‌پروری، نه نام‌جویی و زراندوزی، در اجزا و فروع این فن طی سه دهه با صبر و استقامت رنجهای متمادی در تسوید اوراق کثیر برده و در تذکره‌های متعدد و مهجور جست‌وجو و کندوکاو نموده است. اقدام شایسته ایشان در

تألیف این اثر شگرف خالی از تهور نبوده و مؤلف در میان سایر پژوهشگران مطلع از این فن شرف تقدم برای خود حاصل کرده است زیرا هنگام گام نهادن در این وادی صعب راهنما و الگویی نداشته و کارهای قبلی همگی مجموعه‌ای مشوش و درهم از ماده تاریخی بوده که هیچ‌کدام کمکی به حل مشکلات معماها نمی‌کردند. با این همه، نباید فراموش کرد که مؤلف، با همه شایستگی و اطلاعی که داشته، راه تحقیق بیشتری در این فن و هنر را برای آیندگان گشوده است.

مطالعه کتاب نشان می‌دهد که وی جوانی خود را در فراگیری این فن و هنر به هدر نداده و هر جا شعر، ماده تاریخ و تعمیم‌های دیده به آسانی از آن چشم‌پوشیده و شنیده‌ها را به سادگی به گنجینه خاطر نسپردده است بلکه با ذوق سلیم و ذهن وقّادی که در درک موضوع داشته درصدد برآمده تا با ابداع روشی منطقی مطلب را به بهترین شکل به دیگران انتقال دهد.

کتاب در دو بخش عمده تنظیم شده است. پیش از آن، مؤلف در مقدمه خود ضمن تعریف ماده تاریخ، پیشینه و شیوه محاسبه آن منابع مورد استفاده را در موارد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داده است. بخش نخست کتاب «حساب جمل در دانش و فرهنگ فارسی» و بخش دوم «فرهنگ تعبیرات رمزی» نام گرفته است.

در بخش نخست علاوه بر تعاریف ماده تاریخ و تعمیم صورت‌های مختلف تعمیمه‌جملی به شرح زیر تنظیم گردیده و برای هر کدام نمونه‌های مختلفی با توضیح و تجزیه و تحلیل آورده شده است.

۱) تعمیم با صنعت برابر بودن آحاد و عشرات و مات؛ ۲) تعمیم با صنعت حروف نقطه‌دار و بی‌نقطه و جدا و متصل؛ ۳) تعمیم با صنعت تضعیف؛ ۴) تعمیم با صنعت ایهام (جملی، عددی و لفظی یا گوناگون‌خوانی)؛ ۵) تعمیم با صنعت زبر و بینات؛ ۶) تعمیم با صنعت ادخال؛ ۷) تعمیم با صنعت اخراج؛ ۸) تعمیم با صنعت توأم ادخال و اخراج؛ ۹) تعمیم با صنعت حذف؛ ۱۰) تعمیم با صنعت تکرار؛ ۱۱) تعمیم با صنعت ترتیب.

گرچه بسیاری از ماده‌تاریخ‌های آورده شده در کتاب در منابع پیشین، به خصوص در کتاب موادالتواریخ مرحوم حاج حسین آقا نخجوانی ذکر شده‌اند اما در آن کتابها اساساً اشاره‌ای به منابع و مأخذ مورد استفاده نشده است. مضافاً اینکه تا پیش از تألیف کتاب حساب جمل در هیچ‌یک از کتابها توضیح کافی در کشف تعمیم‌های به کار رفته در ابیات ارائه نشده بود. ذکر مثال تعمیم در مورد هر کدام از صنایع مذکور در این مقال نمی‌گنجد. تنها به عنوان نمونه توضیح مؤلف را در تعمیم به کار رفته در ماده تاریخی که مرحوم ادیب پیشاوری در تاریخ عزل نیکلای دوم پادشاه روسیه با استفاده از صنعت اخراج به گونه‌ای هنرمندانه ساخته، می‌آوریم.

ادیب پیشاوری در سروده خود می‌گوید:

خروشی برآمد ز پطروگراد
که شه اشکریزان ز تخت اوفتاد
واژه «تخت» در مصرع دوم «ماده تاریخ» است و مفهوم تعبیر «شه اشکریزان» تعبیری است بدیع و تصویری از شاهی گریان. سراینده سه نقطه حرف «ش» در واژه «شه» را به سه قطره اشکی تشبیه نموده که بر اثر فرو ریختن تخت سلطنت این سه قطره اشک نیز بر زمین ریخته و از حاصل «شه»، «سه» می‌ماند که مجموع عددی «سه» را، با مفهوم معنای افتادن از تخت، باید از واژه تاریخ به حساب جمل کم نمود تا سال ۱۳۳۵ ه.ق به دست آید.^۵

۱۴۰۰ = تخت

۶۵ = سه

البته همت حاج حسین آقا نخبوانی در جمع‌آوری ماده‌تاریخها ستودنی است اما اغلاط زیادی در متن کتاب راه یافته که با واقعیات تاریخی تطبیق ندارند. تصحیح و نقد موادالتواریخ، چنانکه بر استادان فضل و هنر و نقادان شعر و ادب پوشیده نیست، کاری بس دشوار است. دانش و اطلاعی عمیق و فحصى کامل لازم بود تا بتوان به سر منزل مقصود راه یافت. مؤلف کتاب حساب جمل با همت بلند خود در جای جای کتاب، به ایرادهای وارد بر موادالتواریخ اشاره کرده است. از این نظر کتاب حساب جمل را می‌توان به عنوان یکی از بهترین مآخذ برای تصحیح اغلاط مورخان نیز به شمار آورد هر چند کتاب برای این منظور نوشته نشده است.

نویسنده در بخش دوم کتاب خود با استقصا در کتابها، متون و نسخ خطی مختلف توانسته بیش از ۴۵۰ تعبیر آمیخته به رمز در ادب فارسی را کشف کند و سپس با شیوه‌ای علمی آنها را به ترتیب حروف تهجی تنظیم و پس از توضیح کامل و ذکر مثالهای متعدد برای هر کدام، در قالب یک فرهنگ عرضه نماید، فرهنگی که تاکنون سابقه نداشته است. البته تعابیر عرضه شده در کتاب را با توجه به گستردگی پهنه ادبیات فارسی نمی‌توان کامل قلمداد کرد. این نقص از نظر مؤلف پوشیده نمانده چنانکه خود در این مورد نوشته است:

نگارنده به مرور ایام، ضمن مطالعات خود به هر یک از این تعبیرها که برخورد نموده آنها را یادداشت کرده است و اینک مجموعه آن یادداشتها را با نام «فرهنگ تعبیرات رمزی» تقدیم ارباب دانش می‌نماید. در این فرهنگ کوشش گردیده که تا هر چه تعبیر در این زمینه بوده جمع‌آوری گردد، اما از آنجا که پهنه ادب و تاریخ فارسی بیش از حد تصور، گسترده است یقیناً بخشی از تعبیرها در این فرهنگ از قلم افتاده خاصه آنکه تحقیق حاضر گام اول است. انشاءالله سعی خواهد شد تا تعبیرات از قلم

از میان تعبیرهای آمیخته به رمز کشف شده در کتاب تنها به ذکر یک نمونه اکتفا می‌کنیم. تعبیر «پسین» به معنای بعد در سروده‌های تاریخی روز یا سال بعد را به ذهن متبادر می‌سازد. این تعبیر در سروده‌های تعمیه‌دار با تعمیه‌ای از گونهٔ تعمیه با صنعت ادخال به کار گرفته شده است. حافظ با استفاده از این تعبیر تاریخ قتل شاه شیخ ابواسحاق اینجو را در قطعه‌ای هنرمندانه و شیوا به سال ۷۵۸ ق چنین سروده است.

بلبل و سرو و سمن، یاسمن و لاله و گل هست تاریخ وفات شه مشکین کاکل
 خسرو روی زمین غوث زمان بواسحق که به مه طلعت او نازد و خندد بر گل
 جمعه بیست و دوم ماه جمادی‌الاول در پسین بود که پیوسته شد از جزء به کل

ماده تاریخ در سرودهٔ فوق کلمات «بلبل»، «سرو»، «سمن»، «یاسمن»، «لاله» و «گل» است که از حاصل عددی هر کدام به ترتیب: ۶۴، ۲۶۶، ۱۵۰، ۱۶۱، ۶۶ و ۵۰ و از حاصل جمع این اعداد به حساب جمل عدد ۷۵۷ به دست می‌آید. یک سال کسری در تعبیر هنرمندانهٔ «پسین» است که حافظ به کار گرفته است. در اینجا پسین موهوم دو معناست: یکی به معنای بعد از ظهر است که نشان می‌دهد قتل در بعد از ظهر جمعه واقع شده و دیگر به معنای «بعد» است یعنی قتل در پسین بیست و دوم جمادی‌الاول ۷۵۷ ق اتفاق افتاده که بدین اعتبار بیست و دوم جمادی‌الاول ۷۵۸ ق می‌شود. صرف نظر از این که «جزء» و «کل» از نظر حکما و منطقیون دارای معنی خاصی است (جزء معنای عالم دنیا که فانی و «کل» به معنی جهان ابدی) می‌توان چنین استنباط کرد که منظور حافظ از جزء بودن همان کامل نبودن ماده تاریخ در مصرع نخست بیت اول و کامل شدن آن پس از بهره‌گیری از تعبیر رمزی «پسین» می‌باشد.

نظیر دیگری که تاریخ هنرمندانهٔ حافظ را به سال ۷۵۸ ق تأیید می‌نماید سرودهٔ دیگری از اوست که مؤلف مطلع سعدین و مجمع بحرین در شرح وقایع سال ۷۵۸ ق آن را آورده است^۷ و اقوال دیگر مانند حبیب‌السیر و روضة‌الصفاء نیز آن را تأیید کرده‌اند. این سروده چنین است:

به روز کاف و الف از جمادی‌الاول به سال ذال و دگر نون و حا علی‌الاطلاق
 خدایگان سلاطین مشرق و مغرب خدیو کشور عفو و کرم به استحقاق
 سپهر حلم و حیا، آفتاب جاه و جلال جمال دینی و دین شاه شیخ ابواسحاق

۶. همان، ص ۲۰۸.

۷. بنگرید به: کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی. مطلع سعدین و مجمع بحرین. تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی.

کتابخانهٔ طهوری، تهران، ۱۳۵۳، صص ۲۸۷-۲۸۸.

میان عرصه میدان خود به تیغ عدو نهاد بر دل احباب خویش داغ فراق در مصراع اول بیت نخست حاصل عددی «ک» و «الف» عدد ۲۱ به دست می‌آید و در مصراع دوم همان بیت از معادله‌های عددی حرفهای «ذ»، «ن» و «ح» به حساب جمل سال ۷۵۸ ه. ق حاصل می‌شود. تنها تفاوتی که در این تاریخ به چشم می‌خورد و با سروده قبلی حافظ اختلاف دارد روز واقعه است. در قطعه پیشین قتل در بیست و دوم جمادی‌الاول اتفاق افتاده و در این قطعه واقعه قتل در روز قبل ثبت شده است.

گفتنی است که مؤلف موادالتواریخ هر دو سروده حافظ را در کتاب خود نقل کرده اما در مورد سروده نخست چون توجهی به واژه پسین نداشته سال قتل ابواسحاق را ۷۵۷ نقل کرده و در مورد سروده دوم نیز بدون آنکه مأخذ را مشخص کرده باشد بیت نخست را به شکل زیر ثبت کرده است:

به روزگار الف از جمادی‌الاول بسال ذال و دگر نون و زا علی‌الاطلاق^۸
غلط بودن مصراع نخست نیاز به شرح نیست. در مورد مصراع دوم نیز به جای حرف «ح» که برابر با عدد ۸ است، حرف «ز» که بنابه حروف ابجد عدد ۷ می‌باشد را آورده که غلط است. مزید بر این، در دیوان حافظ مصحح قزوینی و غنی، مصححان تاریخ ۷۵۷ را برابر با مصراع به دست داده‌اند و اقوال تواریخ مطلع سعدین، حیب‌السیر و روضة‌الصفار را در باب این موضوع در زیرنویس نقل کرده‌اند.^۹

در اثبات دعاوی خود در مورد اهمیت کتاب حساب جمل حق این بود که از کتاب شاهد و مثال بسیار یاد شود اما چون این نوشته چیزی بیش از معرفی نیست این قلم، مطالب سراسر کتاب را شاهد مدعای خود آورده از خوانندگان دعوت می‌کند با توجه به نکاتی که یاد کرده شد کتاب را به دقت بخوانند و خود به بزرگی قدر آن پی ببرند.

به گفته شارل بودلر، ارزش یک کتاب در محاسن و معایش نیست؛ در این است که کسی دیگر غیر از نویسنده‌اش نتوانسته باشد آن را بنویسد. بیشتر آثار بزرگ و شاهکارها محصول سالها تأمل و تدقیق‌اند و هیچ اثر بزرگی را بدون زحمت و تأمل و رنج نمی‌توان به وجود آورد. بعضی آثار فقط سطح ذهن را فرا می‌گیرند. و بعضی دیگر با آنکه رغبت عده زیادی از خوانندگان را برمی‌انگیزند مانند دستمال کاغذی هستند، فقط یک بار به کار می‌روند و بعد به دور افکنده می‌شوند. ارزش یک شاهکار آن است که برای آیندگان خوشایند و رهگشا باشد و هر اندازه که یک اثر در نزد نسلهای بعدی برخوردار از تأثیر قابل توجه باشد برخوردار از ویژگی هنری خواهد بود.

۸. موادالتواریخ، همان، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۹. دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی. به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۰. ص ۳۶۹.

امید که مطالعه این کتاب سررشته فکری به خوانندگان بدهد تا خود به دنبال آنها بروند و بازشان یابند. کتاب حساب جمل و فرهنگ تعبیرات رمزی زود یا دیر مورد قبول واقع خواهد شد زیرا توانسته خویشاوندی و پیوندی اصیل میان ادراک خواننده با خود برقرار نماید.